

Ümmü Eymen

1364 'Hazrat Umm Aiman' (Razi Allahu  
anha). *Yaqeen International* (Karachi), 40:2,  
1991, pp.15-16

30. EKİM 1996

ÜMMÜ EYMEN

297.92  
YAH.B

Behcetül-Mehafil- II, 152 vd.

ÜMMÜ EYMEN

Behcetül-Mehafil- I, 38

297.92  
YAH.B

ÜMMÜ EYMEN (RA)

Berke bat. Salebi

— Fozleleri

Nevevi, Ferhul-Muhsin (c.16-s.9)

Ümmü Eymen

Behcetül-Mehafil, c.7, Madde, s.138

Ümmü Eymen,

Nevevi, Huccetullah, 874

297.44  
NEB.H

## أعلام النساء - أم أيمن

- ٢٩٢- ابن الأثير. بركة بنت ثعلبة (أم أيمن).  
في: اسد الغابة ٣٦/٧، ٣٠٣-  
٣٠٤.
- ٢٩٣- ابن حجر العسقلاني. أم أيمن مولاة  
النبي (ﷺ) وحاضته. في: الاصابة  
٤٣٢/٤-٤٣٤.
- ٢٩٤- بن عبد البر، أبو عمر يوسف. بركة بنت  
ثعلبة (أم أيمن). في: الاستيعاب  
١٧٩٣/٤-١٧٩٥، ١٩٢٥.
- ٢٩٥- الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد  
بن عثمان ت ٧٤٨هـ. بركة، أم أيمن  
الحبشية مولاة رسول الله (ﷺ)
- الصحافية. في سير اعلام النبلاء  
٢٢٣/٢. ط: بيروت: مؤسسة  
الرسالة، ١٤٠٥هـ = ١٩٨٥ م.
- ٢٩٦- العمري، ياسين بن خير الله. أم أيمن  
بركة الحبشية. في: الروضة الفيحاء في  
تواريخ النساء. ١٦٧-١٧٢.
- ٢٩٧- كحالة عمر رضا. بركة بنت ثعلبة مولاة  
النبي (ﷺ). في: اعلام النساء  
١٢٧/١-١٢٨.
- ط: بيروت: مؤسسة الرسالة،  
١٤٠٤هـ = ١٩٨٤ م.

200265

ÜMMÜ EYMEN

---

1 AYŞEGÜL DADAN, Ümmü Eymen hayatı ve şahsiyeti, Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2009

# دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، تهران، ۱۳۸۰

۱۸۳ امباله

پیامبر (ص) ام ایمن را در خانه اش دیدار می کرد و پس از او ابوبکر و عمر نیز به پیروی از پیامبر، چنین می کردند (مسلم، ۱۹۰۷/۲؛ ابن ماجه، ۵۲۳/۱-۵۲۴؛ ابن عبدالبر، همانجا). از این رو، در برخی منابع حدیثی، بابتی به عنوان فضایل ام ایمن آمده است (نک: مسلم، ۱۹۰۷/۲-۱۹۰۸). در برخی منابع شیعی نیز، با احترام از او یاد شده است (مثلاً نک: کلینی، ۴۰۵/۲؛ ابن بابویه، ۷۶).

از ام ایمن چند حدیث روایت شده است (احمد بن حنبل، ۴۲۱/۶؛ طبرانی، ۸۷/۲۵-۹۱؛ ابن ماجه، ۱۱۰۷/۲). کسانی چون انس بن مالک، ابویزید مدنی و حش بن عبدالله صنعانی نیز از او روایت کرده اند (ابن حجر، ۴۵۹/۱۲).

مآخذ: ابن اثیر، علی، اسدالغایبه، قاهره، ۱۲۸۰ ق؛ ابن بابویه، محمد، امالی، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق/۱۹۸۰ م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۷ ق؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر؛ ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب، به کوشش علی محمد بجاری، قاهره، ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۰ م؛ ابن قتیبه، عبدالله، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۳۸۸ ق/۱۹۶۹ م؛ ابن ماجه، محمد، سنن، استانبول، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م؛ احمد بن حنبل، مسند، قاهره، ۱۳۱۳ ق؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمیدالله، قاهره، ۱۹۵۹ م؛ ذهبی، احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م؛ زهری، عبدالله، المغازی النبویه، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م؛ طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، بغداد، ۱۹۸۱ م؛ طبری، تاریخ؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱ ق؛ مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول، ۱۴۰۱ ق؛ واقفی، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶ م. حسن یوسفی اشکوری

امباله، شهر و شهرستانی به همین نام در ایالت هاریانا در شمال غربی هند واقع در ۳۰ و ۲۳ عرض شمالی و ۷۶ و ۴۶ طول شرقی (بریتانیکا، میکرو، ۱۹۷۸ م، I/293). امباله را اومبالا<sup>۱</sup> و انباله هم نامیده اند (نک: ابوالفضل، ۳۰/۳؛ کنبو، ۵۱۹/۸، ۳۱۴/۲، ۸۱۳/۳؛ آمریکانا، I/470). این شهر که در منطقه ای کوهپایه ای قرار گرفته، از طریق جاده زمینی و راه آهن با دهلی، امریتسار (پنجاب)، سیملا و کالکه در شمال و سهارنپور در جنوب شرقی ارتباط دارد (بریتانیکا، ۱۹۸۶ م، I/315؛ دویی، 225).

امباله راه طبیعی مهاجمان به دهلی و اگره بوده است (اسپیر، 6)، از جمله در حمله اسکندر به هند در ۳۲۶ ق م (نک: بریتانیکا، ۱۹۸۶ م، XXI/112) و طی جنگهای بین سلاطین مغول در هند و بین سیکها و مسلمانان (نک: اکرام، 112-113؛ اروین، 97-98؛ آرچبلد، 540؛ راس، 12؛ مطلبی، ۱۰۳/۲؛ واضح، ۲۴۰) و در جنگهای نادر شاه افشار با سلاطین مغول در ۱۱۵۱ ق (نک: استرابادی، ۳۲۰؛ قدوسی، ۱۳۸؛ مروی، ۷۱۰).

نخستین بار قاضی تقی متقی در سفرنامه خود از این شهر نام برده، و نوشته است که مسلمانان در ۵۸۷ ق/۱۱۹۱ م در جنگ دوم معزالدین بن

توزک جهانگیری، نولکتور، لکهنو؛ جغتایی، محمد عبدالله، تاج محل (آگره)، لاهور، ۱۹۶۳ م؛ همو، «تاج محل»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، هنر و مردم، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، تهران، ۱۳۲۷ ش؛ همو، نقش پاریسی بر احجار هند، تهران، ۱۳۳۷ ش؛ دین محمدی، تاج محل، هند، ۱۹۶۳ م؛ رام، کینول، تذکره الامراء کراچی، ۱۹۸۶ م؛ شاغل عثمانی، احترام الدین احمد، صحیفه خوشنویسان، علیگره، ۱۹۶۳ م؛ شاهنوازخان، صمصام الدوله، مآثر الامراء، کلکته، ۱۸۹۰ م؛ کنبو، محمد صالح، عمل صالح موسوم به شاهجهان نامه، لاهور، ۱۹۶۷ م؛ لاهوری، عبدالحمید، بادشاهنامه، کلکته، ۱۸۶۷ م؛ ماهر اکبرآبادی، محمود علی، علم الحروف یا تحقیقات ماهر، لاهور، ۱۹۳۴ م؛ نیز:

Begley, W. E., «Amānat Khān and the Calligraphy on the Tāj Mahal», *Kunst des Orients*, Wiesbaden, 1978-1979, vol. XII; id, «A Mughal Caravanserai Built and Inscribed by Amanat Khan...», *Indian Epigraphy...*, New Delhi; *Iranica*; Nath, R., *Calligraphic Art in Mughal Architecture*, Calcutta, 1979; Pal, P. et al., *Romance of the Taj Mahal*, New Delhi, 1989. مهبانو علیزاده

✓ **اُمّ اَیْمَن**، بَرکة بنت ثعلبة بن عمرو، از زنان صحابی. او کنیزی حبشی (زهری، ۱۷۷؛ طبرانی، ۸۶/۲۵) از آن عبدالله بن عبدالمطلب یا همسرش آمنه بود و پس از درگذشت پدر و سپس مادر پیامبر (ص)، به آن حضرت تعلق یافت (نک: ابن سعد، ۲۲۳/۸؛ بلاذری، ۹۶/۱). گفته اند که پس از درگذشت آمنه در ابواء (ه م)، او پیامبر (ص) را تا ورود به مکه مراقبت کرد (ابن قتیبه، ۱۵۰) و گویا همچنان تا مدت‌ها در خدمت پیامبر (ص) بود (بلاذری، ۴۷۲/۱) و آن حضرت وی را به هنگام ازدواج با خدیجه آزاد کرد و او به همسری عبید بن زید خزرجی درآمد و ایمن از او بزاد و به همین سبب به «ام ایمن» شهرت یافت. او پس از چندی که عبید درگذشت، با زید بن حارثه که آزاد شده، و سپس فرزند خوانده پیامبر بود، ازدواج کرد و اسامه (ه م) از او متولد شد (ابن سعد، ۶۱/۴، ۲۲۳/۸؛ بلاذری، همانجا).

ام ایمن از نخستین گروندگان به اسلام بود و بعدها به مدینه هجرت کرد (نک: بلاذری، ۲۶۹/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۷۹۳/۴؛ ابن اثیر، ۵۶۷/۵). همچنین گفته شده است که وی از مهاجران به حبشه بود (ابن عبدالبر، ابن اثیر، همانجاها)، اما با توجه به اینکه مهاجرت به حبشه در سال ۵ بعثت صورت گرفت و مهاجران در ۷ هجری مستقیماً به مدینه بازگشتند (طبری، ۳۲۹/۲)، این گزارش ناپذیرفتنی می‌نماید و احتمالاً در این باب خلطی پیش آمده است (نیز نک: ابن عبدالبر، ۱۷۹۴/۴).

ام ایمن در جنگ احد حضور داشت و جنگجویان را سیراب، و مجروحان را مداوا می‌کرد. وی در خیبر نیز همراه پیامبر (ص) بود (واقفی، ۲۴۱/۱، ۲۵۰، ۶۸۵/۲؛ ابن سعد، ۲۲۵/۸؛ بلاذری، ۳۲۰/۱). تاریخ دقیق درگذشت او روشن نیست. برخی گفته اند که او حدود ۵ ماه پس از رحلت پیامبر درگذشت (طبرانی، همانجا، به نقل از زهری)، اما بنا بر نقل ابن سعد (۲۲۶/۸)، وی تا اوایل روزگار خلافت عثمان زنده بوده است (نیز نک: طبرانی، همانجا؛ ذهبی، ۲۲۷/۲).

ام ایمن سخت مورد علاقه پیامبر (ص) بود و حتی گفته اند گاه او را مادر خطاب می‌کرد (ابن سعد، ۲۲۳/۸). احادیثی از منزلت بلند او نزد پیامبر (ص) نقل شده است (نک: همو، ۲۲۳/۸-۲۲۶؛ ذهبی، ۲۲۴/۲).

(٣)  
أُمُّ أَيْمِنَ الْحَبَشِيَّةِ  
رضي الله عنها

- قال ﷺ:  
«هذه بقية أهل بيتي».
- وقال عليه الصلاة والسلام:  
«أم أيمن أُمِّي بعد أُمِّي».
- وقال صلوات الله وسلامه عليه:  
«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَتَزَوَّجْ أُمَّ  
أَيْمِنَ».

05 MAY 1997

920.7  
Cum.N

كامله  
مدرسة

## حرف الباء

### بَرَكَة : أمُّ أَيْمَن

قال ابن سعد ، وقالت أم أيمن <sup>(١)</sup> يعني بركة الحبشية ترثي رسول الله ﷺ ، فذكر أبياتاً منها :

وابكيا خير من رزئناه في الدنيا ومن خصّة بوحي السماء  
بدموع غزيرة منك حتى يقضي الله فيك خير القضاء  
فلقد كان ما علمتُ وصولاً ولقد جاء رحمة بالضياء <sup>(٢)</sup>  
طيب العود والضريرة والمعدن والحتم خاتم الأنبياء

روى الفضل بن غسان عن الواقدي قال : كانت أم أيمن واسمها بركة لعبد الله بن عبد المطلب ، وصارت للنبي ﷺ ميراثاً ، وهي أم أسامة بن زيد <sup>(٣)</sup>

(١) أم أيمن : غلبت عليها كنيتهما : تكنى بابنها أيمن بن عبيد ، وهو الذي قتل في غزوة حنين .  
انظر سيرة ابن هشام ١٠١٢ .  
(٢) وأول الأبيات قولها :

عين جودي فبان بذلك للدمع  
حين قالوا : الرسول أمي فقيداً  
وقبل بيت طيب العود ... بيت آخر :

ولقد كان بعد ذلك نوراً وسراجاً يضيء في الظلماء  
(٣) أسامة بن زيد بن حارثة ، ولد بركة ونشأ على الإسلام ، وكان رسول الله ﷺ يحبه حباً جماً وينظر إليه نظره إلى سبطيه الحسن والحسين ، وهاجر مع النبي ﷺ إلى المدينة . أمره رسول الله قبل أن يبلغ العشرين من عمره فكان مظفراً موقفاً . ولما توفي رسول الله رحل أسامة إلى وادي القرى فسكنه ، ثم انتقل إلى دمشق في أيام معاوية فسكن المزة ، وعاد إلى المدينة إلى أن مات في آخر خلافة معاوية . له في كتب الحديث / ١٢٨ / حديثاً ، الأعلام ٢٩١/١

- ٢٢٧ -

# مَسْحُ الْمَلِكِ

رَضِيحَت

أو

شعراء الصحابة ممن مسح الرسول ﷺ يوم أورثاه

لابن سيّد الناس

Ummu FAYMEN (337-339)

Disign tarawidi

Nel.

تقديم رفيع

عمّت وصال حمزة

Tarawidi	9168
Key	8927
Tasni	SEY.M

دَارُ الْفِكْرِ  
رَبِّي - سَرِيحِي

أخبرنا أبو الفضل عبد الرحيم بن يوسف سماعاً عليه قال : انا ابن طبرزد ، انا أبو البدر الكرخي ، انا أبو بكر الخطيب ، ثنا أبو عمر الهاشمي بقراءتي عليه ، انا أبو علي اللؤلؤي ، انا أبو داود السجستاني ، ثنا محمد بن عيسى ، ثنا حجاج عن أبي جريح عن حكيم بنت أمية ابنة رقيقة عن أمها أنها قالت : كان للنبي ﷺ قدح من عيدان تحت سريره يبول فيه بالليل . قرأت على أبي عبد الله الحلبي أخبركم أبو الحجاج الدمشقي ، انا ابن أبي زيد ثنا محمود الصيرفي ، انا أبو الحسين أحمد بن عمر بن قادشاه ، انا الطبراني ، ثنا أحمد بن زياد الخدافي ، ثنا حجاج بن محمد عن أبيه جريح قال : حدثني حكيم بنت أمية بنت رقيقة قالت : كان النبي ﷺ يبول في قدح عيدان ثم يدفعه تحت سريره ؛ فبال فيه ثم جاء فأراد ، فإذا القدح ليس فيه شيء ، فقال لامرأة يقال لها بركة : [ كانت تخدم أم حبيبة ، جاءت بها من أرض الحبشة ] « أين البول الذي كان في القدح » ؟ قالت : شربته : فقال : « لقد احتظرت بحظار <sup>(١)</sup> من النار » .

هذا بدل عال من حديث الطبراني يعولنا عن طريق أبي داود ، وكذلك على النسائي أيضاً . فإنه رواه عن أيوب بن محمد الوزان عن حجاج ، درجة بالساع ودرجتين بالإجازة . وقول أبي عمر إن بركة المذكورة في هذا الحديث هي حاضنة النبي ﷺ . قد اعترضه أبو إسحاق بن الأمين قال : إنما بركة في هذا الحديث بركة بنت يسار مولاة أبي سفيان بن حرب ، امرأة قيس بن عبد الله وأم أم حبيبة من الرضاعة . هاجرت معها إلى أرض الحبشة ، وردت معها . قاله ابن هشام عن ابن إسحاق . وعيّدان : بفتح العين المهملة وبعدها ياء ساكنة .

(١) أراد : لقد احتميت بحميّ عظيم من النار يقيك حرها ويؤمنك دخولها .

وذكر ابن أبي خيثمة عن سليمان بن أبي شيخ قال : أم أيمن اسمها بركة ، وكانت لأم رسول الله ﷺ . وكان رسول الله ﷺ يقول : أم أيمن أمي بعد أمي . ومن حديث سليمان بن المغيرة عن ثابت عن أنس رضي الله عنه قال : قال أبو بكر لعمر رضي الله عنها : انطلق بنا إلى أم أيمن نزورها كما كان رسول الله ﷺ يزورها . قال أبو عمر : حدثني أحمد بن قاسم ، ثنا محمد بن معاوية ، ثنا أحمد بن الحسين بن عبد الجبار الصوفي ، ثنا يحيى بن معين ، ثنا حجاج عن أبي جريح قال : أخبرني حكيم بنت أمية عن أمية أمها : أن النبي ﷺ كان يبول في قدح من عيدان <sup>(١)</sup> ويوضع تحت سريره . فجاء فإذا القدح ليس فيه شيء . فقال لامرأة يقال لها بركة - كانت تخدمه لأم حبيبة جاءت معها من أرض الحبشة - « البول الذي كان في القدح ما فعل » ؟ قالت : شربته يا رسول الله <sup>(٢)</sup> . قال أبو عمر : بركة هذه هي أم أيمن المذكورة والله أعلم <sup>(٣)</sup>

(١) العيّدان : النخلة الطويلة والجمع عيّدان . قال الأصمعي : العيّدان شجرة صلبة قديمة لها عروق نافذة إلى الماء ( لسان العرب ) .

(٢) وفي الإصابة ٤١٧/٤ : كان للنبي ﷺ فخارة يبول فيها بالليل ، وكنت إذا أصبحت صبيتها ، فنت ليلة وأنا عطشانة فنظمت فشربتها . فذكرت ذلك للنبي ﷺ فقال : إنك لن تشكي بطنك بعد يومك هذا .

وفي الإصابة أنها شهدت أحداً ، وكانت تسقي الماء ، وتداوي الجرحى ، وشهدت خبير وأنها بكت لما قبض رسول الله ﷺ فقيل لها : ما يبكيك ؟ قالت : أبكي على خير السماء وفي رواية أخرى : « لقد علمت أن رسول الله ﷺ يموت ، ولكن إنما أبكي على الوحي إذا انقطع عنا من السماء » .

(٣) وعن ابن سعد : لما هاجرت أم أيمن أسست بالنصر ودون الروحاء فعمطت وليس معها ماء ، وهي صائمة فأجهدها العطش ، فدلي عليها من السماء دلو من ماء ، برشاء أبيض ، فأخذته فشربته حتى رويت فكانت تقول : ما أصابني بعد ذلك عطش . ولقد تعرضت العطش بالصوم في المهاجر فما عطشت . وفي رواية أخرى : خرجت مهاجرة من مكة إلى المدينة وهي ماشية ليس معها زاد ، فلما غابت الشمس إذ أنا يائسة معلقة عند رأسي . قالت : لقد كنت بعد ذلك أصوم في اليوم الحار ، ثم أطوف في الشمس كي أعطش فما عطشت بعد . انظر الإصابة ٤١٤/٤

# تاريخنا إعلامنا

تأليف  
العلامة الشيخ محمد حسين الأعلم الحارثي

Türkiy - Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi T.C. Başbakanlığı	
Kayıt No. :	10805-1
Tarifi No. :	920.7 HAI-T

الجزء الأول

920.7  
HAI-T

منشورات  
مؤسسة الأمل للطباعة  
بيروت - لبنان  
ص. ٧١٢٠

Ummü Eymen

13 MAYIS 1991

قالت يا رب « الحديث » وقال القمي « ره » في السفينة ج ٢ ،  
ص ٧٣٦ ، س ٢٦ :

روى أن أم أيمن لما توفيت فاطمة عليها السلام حلفت أن لا  
تكون بالمدينة إذ لا تطيق أن تنظر إلى مواضع كانت بها - فخرجت إلى  
مكة فلما كانت في بعض الطريق عطشت عطشاً شديداً فرفعت يديها  
قالت يا رب أنا جارية فاطمة تقتلني عطشاً فأنزل الله تعالى عليها دلواً  
من السماء فشربت فلم يحتج إلى الطعام والشراب سبع سنين - وكان  
الناس يبعثونها في اليوم الشديد الحر فما يصيبها عطشاً ، وروى ابن  
حجر في الاصابة ج ٤ ، ص ٤١٥ س آخر خرجت مهاجرة من مكة إلى  
المدينة وهي ماشية ليس معها زاد - وقال فيه فلما غابت الشمس إذا أنا  
بإناء معلق عند رأسي - وقالت ولقد كنت بعد ذلك أصوم في اليوم ثم  
أطوف في الشمس كي أعطش فما عطشت بعد - والتفصيل في منتخب  
التواريخ ص ٦٨ للشيخ هاشم الخراساني بالفارسية .

وروى الصدوق ره في المجالس في مجلس التاسع عشر ص ٥٠  
عن الصادق عليه السلام قال : وأقبل جيران أم أيمن إلى رسول الله  
«ص» فقالوا : يا رسول الله إن أم أيمن لم تنم البارحة من البكاء لم  
تزل تبكي حتى أصبحت - قال فبعث رسول الله «ص» إلى أم أيمن  
فجاءته فقال لها يا أم أيمن لا أبكا الله عينك إن جيرانك أتوني  
وأخبروني أنك لم تزل الليل تبكين اجمع فلا أبكي الله عينك ما الذي  
أبكاك - قالت يا رسول الله رأيت رؤيا عظيمة شديدة فلم أزل أبكي  
الليل أجمع ، فقال لها رسول الله «ص» : فقصّيتها على رسول الله فإن  
الله ورسوله أعلم - فقالت تعظم عليّ أن أتكلم بها فقال لها إن الرؤيا  
ليست على ما ترى فقصّيتها على رسول الله قالت رأيت في ليلتي هذه  
كان بعض أعضائك ملقاً في بيتي - فقال لها رسول الله «ص» نامت

أمها أم شريك حسنة

﴿ أم أيمن ﴾ حاضنة رسول الله «ص» وخادمة أم حبيبة وأم  
إبراهيم حبشية اسمها بركة بنت ثعلبة بن عمرو بن حصن بن مالك بن  
سلمة بن عمرو بن النعمان الحبشية المعروفة بأم أيمن غلبت عليها  
كنيتها كنيته بابنها أيمن بن عبيد ، وتعرف أيضاً بأم الظباء ، وبأم  
أسامة ، وهي من نساء أهل الجنة قيل كانت وصيفة لأخت خديجة بنت  
خويلد فوهبتها للنبي «ص» ، وقيل وصيفة لعبدالله بن عبدالمطلب أبوه ،  
وقيل كانت وصيفة لأمه فصارت للنبي بعدهما ميراثاً فاعتقها النبي «ص»  
حين تزوج خديجة ، وكان زيد بن حارثة عبداً لخديجة فوهبته لرسول  
الله «ص» فأعتقه ثم زوجه أم أيمن بعد النبوة فولدت له أسامة بن زيد ،  
ويقول «ص» أم أيمن أمي بعد أمي وكان يزورها .

روي في الاستيعاب عن حكيمة بنت اميمة عن امها قالت ان  
النبي كان يبول في قرح من عيدان ويوضع تحت سريره فبال فيه ليلة  
فوضع تحت سريره فجاء فإذا القرح ليس فيه شيء فقال لامرأة يقال لها  
بركة كانت تخدم لأم حبيبة جاءت معها من أرض الحبشة «البول الذي  
كان في هذا القرح ما فعل به» فقالت شربته يا رسول الله - قال أبو عمر  
أظن بركة هذه هي ام أيمن - وفي حديث آخر قالت كان للنبي «ص»  
فخارة يبول فيها بالليل فكنت إذا أصبحت صبّيتها فنمت ليلة وأنا  
عطشانة فشربتها فذكرت ذلك للنبي «ص» فقال انك لا تشتكي بطنك  
بعد يومك هذا ، وروى المجلسي في البحار ط ١ ، ص ١٥ ،  
س ١٠ ، ج ١٠ قصتها عن علي بن معمر قال خرجت ام أيمن إلى مكة  
لما توفيت فاطمة وقالت لا أرى المدينة بعدها فأصابها عطش شديد في  
الجحفة حتى خافت على نفسها قال فكسرت عينها نحو السماء ثم